

نقد و بررسی علل و پیامدهای برخی از گستره های یک جانبه نگری

محمد کاظم نیک مرام^۱

چکیده:

یک جانبه نگری که گاه در پیراهن های خود برتر بینی و خود رأیی و خود محوری متجلی می شود، تک نگری به پدیده ها یا مسائلی است که دارای اجزاء و جوانب مختلف است که یکی از علل اصلی یک جانبه گرایی و اختلافات علمی و به ویژه اختلافات سیاسی و داوری های ما است. تقابل آن با چند جانبه نگری از نوع عدم و ملکه است، بدین جهت در توحید به معنای اعتقاد به یکتایی خدا موضوعیت نمی یابد، هر چند در زبان عامیانه توحید نظری یک جانبه نگری و توحید عملی یک جانبه گرایی است. از آنجا که یک جانبه نگری و چند جانبه نگری مفاهیمی نسبی اند تعیین مرز دقیق آنها به آسانی میسر نیست. از عوامل یک جانبه نگری، می توان اعتقاد به کفایت ابزار معرفتی و سطحی نگری و شناخت علت ناقصه بجای علت تامه را نام برد. یکی از نمودهای آن در برابر خداوند تفسیر به رای در تفسیر قرآن است. اما لازمه تفسیر قرآن به قرآن یک جانبه نگری نیست. از آنجا که عقل انسان یکی از حجت های الهی و امر به شور و مشورت، دعوت در به کارگیری عقول افراد مختلف در تصمیم گیریهاست، دلیل بر اولویت دادن خرد جمعی بر خرد فردی از طرف خداوند و تأیید چند جانبه نگری است. یکی از پیامدهای یک جانبه نگری، یک جانبه گرایی، خصوصاً در مسئله کروناسست.

کلید واژه ها:

۱- یک جانبه نگری ۲- چندجانبه نگری ۳- یک جانبه گرایی ۴- چند جانبه گرایی ۵- کرونا ۶- تفسیر به رأی ۷- خودرأیی

^۱ کارشناس ارشد رشته فلسفه و حکمت اسلامی از دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

طرح مسئله:

یکی از مسائل بزرگ عصر ما که می توان آن را ریشه بسیاری از مشکلات دانست، یک جنبه نگری یا یکسو نگری است. مثلاً در دنیای سیاست، طرفداران یک حزب در هنگام داوری در مورد حزب مقابل خود همه کارهای حزب مقابل خود را سیاه و همه کارهای حزب خود را سفید می ببینند؛ گاه شده یک اقدام حزب مقابل را شدیداً محکوم و انجام همان اقدام را از طرف حزب خود معجزه نامیده اند. این نگرش یک جنبه اقدام یک جنبه را در پی داشته، به ویژه پس از روی کار آمدن ترامپ در ایالات متحده آمریکا به علت یک جنبه گرایی های او در دنیای سیاست، اقتصاد، فرهنگ، نژاد و... مسئله ای تحت عنوان یک جنبه گرایی و چند جنبه گرایی در دنیای سیاست مطرح شد. البته بیشتر کشورها حتی یاران اروپایی ترامپ سیاست یک جنبه گرایی او را محکوم و از چند جنبه گرایی دفاع کردند. علت اصلی این محکومیت ها به جهت نتایج زیارنبار آن بود. زیرا هر چند دولتهای مختلف آمریکا در چند جنبه گرایی خود هم خسارات زیادی به ملت های محروم می زدند ولی با اینیک جنبه گرایی ها که یکی از مصادیق مهم زیارنبار آن لغو قراردادهای بین المللی توسط دولت ترامپ بود راه را برای وارد کردن خسارات خیلی بیشتر به ملتهای دیگر فراهم میکرد.

از آنجا که مبارزه با یک پدیده ناهنجار فردی یا اجتماعی بدون شناخت گستره و علل و پیامدهای آن، بسیار سخت و پرهزینه و بی نتیجه و در مواردی ناممکن است، شناخت گستره و اسباب و علل و پیامدهای آن بسیار ضروری به نظر می رسد. بر همین اساس در این مقاله تلاشی صورت گرفته تا گستره و اسباب و علل این مسئله تا حدودی روشن شود و از آنجا که ممکن است برخی در تأیید یک جنبه نگری خود به اصل توحید متمسک شوند و آگاهانه یا ناآگاهانه پشت دین سنگر بگیرند، ضمن بیان ارتباط یک جنبه نگری با یک جنبه گرایی، بیان ارتباط یک جنبه نگری با اصل توحید هم در قالب پرسشهای زیر تبیین شود:

۱- تعریف یک جنبه نگری و یک جنبه گرایی و توحید چیست؟

۲- واژه های مشابه یا نزدیک به یک جنبه نگری چیست؟

۳- واژه های یک جنبه نگری و یک جنبه گرایی با چه واژه هایی متقابل هستند؟ و این تقابل از چه نوعی است؟

۴- اشکال مختلف یک جنبه نگری در معرفت شناسی چیست؟

۵- یک جنبه نگری و چند جنبه نگری در چه مواردی موضوعیت پیدا می کند؟

۶- مصداق یک جانبه نگری و یک جانبه گرایی در برابر خداوند چیست؟

۷- علل و عوامل یک جانبه نگری و پیامدهای آن چیست؟

۱- تعریف یک جانبه نگری و یک جانبه گرایی و توحید چیست؟

ابتدا به تعریف یک جانبه نگری پرداخته می شود.

۱-۱- تعریف یک جانبه نگری و چند جانبه نگری:

یک جانبه نگری به معنای توجه به یک بعد یا یک زاویه یا یک جنبه از چیزی است که دارای جوانب گوناگون میباشد. در اصطلاح امروزی نوعی سیاه و سفید دانستن رویدادها است. در مقابل آن چند جانبه نگری قرار می گیرد که ممکن است منظور توجه به چند جنبه از کل جوانب باشد که در این صورت این شناخت نسبت به شناخت یک جانبه ای شناخت کاملتری است یا ممکن است تمام جوانب آن منظور باشد که در این صورت شناخت کاملی از این پدیده بدست خواهد آمد. در این مقاله منظور از چند جانبه نگری، جامع نگری است که تا حد امکان معرفت به تمام ابعاد و زوایای یک مسئله است.

۱-۲- تعریف یک جانبه گرایی (unilateralism) و چند جانبه گرایی (Multilateralism)

یک جانبه گرایی هر گونه آموزه یا برنامه‌ای است که از اقدام یک جانبه حمایت می‌کند. چنین اقدامی ممکن است با بی‌اعتنایی به جانب‌های دیگر یا همراه با ابراز تعهد به سمت و سویی باشد که دیگر طرف‌ها با آن موافق باشند. یک جانبه گرایی نو واژه‌ای است که به‌عنوان نقیضی برای چند جانبه گرایی رایج شده است. (پایگاه اطلاع رسانی آران مغان)

چند جانبه گرایی اصطلاحی بسیار رایج در روابط بین الملل است که به ندرت تعریف دقیقی از آن به دست داده می شود. در ساده ترین مفهوم، این اصطلاح به معنی اقدام گروهی متشکل از سه دولت یا بیش تر یا اقدامی میان آن هاست. بدین ترتیب چند جانبه گرایی از یک جانبه گرایی-اقدام مستقل یک دولت واحد- و دو جانبه گرایی-اقدام دو دولت یا اقدام میان دو دولت- متمایز می شود. (گریفیتس، مارتین؛ (۱۳۸۸)، دانشنامه روابط بین الملل و سیاست جهان، ترجمه ی علیرضا طیب، تهران: نشر نی، چاپ دوم ۱۳۹۰)

۱-۳- تعریف توحید

واژه «توحید» مصدر باب «تفعیل» و به معنای «یگانه دانستن» است. ریشه این کلمه «وحد» و به معنای انفراد است و از این رو «واحد» به چیزی اطلاق می شود که جزء ندارد. (مفردات راغب اصفهانی، نشر مرتضوی، ۱۳۸۸، ص ۵۵۱.)

۲- واژه های مشابه یا نزدیک بهیک جانبه نگری

واژه های مختلفی بنظر می رسد که در اینجا به برخی از این واژه ها اشاره می شود.

برخی از این واژه ها عبارتند از ۱- خود برترینی ۲- خود رأیی

۱-۲- خود برترینی

یکی از این واژه های مشابه و نزدیک به یک جانبه نگری اعتقاد به برتری خود یا در اولویت قرار دادن خود فردی در برابر خود اجتماعی از قبیل حزبی، نژادی، ملی، کشوری و... است که البته گاهی اوقات خود اجتماعی ظاهراً اجتماعی، ولی در درون خود، فردی است. مانند اعتقاد به برتری گروه یا حزب خود که به همان خود فردی برمی گردد. زیرا اگر گروه یا حزب خود را برتر می داند به این جهت است که خودش زیر مجموعه این حزب و گروه است. گر نه حزب و گروه برایش اصالت ندارد. راه تشخیص خود فردی از خود اجتماعی در اینجا این است که اگر فرضاً حزب تصمیمی بگیرد که مخالف منافع فرد باشد در صورتی که فرد بپذیرد خود او اجتماعی و اگر نپذیرد خود او فردی است.

۲-۲- خود رأیی

بنظر می رسد یکی از واژه های نزدیک به یک جانبه نگری خود رأیی است که معلول کبر یا همان خود برترینی است. در مقابل خود رأیی، رأی یا خرد جمعی است که مترادف یا مشابه با چند جانبه نگری است. البته خود رأیی یک فرد در مقابل افراد دیگر بالاترین مرتبه خود رأیی است. خود رأیی گروهی، حزبی، نژادی، محله ای، شهری، استانی و ملیتی و... مراتب پایین تر و ضعیف تر آن می باشند. ملاک تشخیص خود رأیی در جایی که این خود رأیی جمعی است از رای و خرد جمعی، شناخت از طریق مقابلات با عنوان مشابه خود است. مثلاً اگر مسئولان یک استان بخواهند درباره کل استانها یا درباره مسائل استانی خود که موثر در سرنوشت استانهای دیگر است بدون توجه به نظر استانهای دیگر و فقط فقط با رای و نظر خودشان تصمیم گیری کنند، این باز نوعی یک جانبه نگری است. اما اگر همه استانها در این تصمیم گیری شرکت کنند و رأیشان در این تصمیم گیری موثر باشد، این همان خرد و رای جمعی و همان چند جانبه نگری است.

۳- واژه های متقابل یک جانبه نگری و یک جانبه گرایی و نوع تقابل آنها

پیش از پاسخ به این پرسش مختصراً به اصل معنی تقابل و اقسام آن اشاره می شود.

۱-۳-معنای تقابل

تقابل، اصطلاحی منطقی و فلسفی است؛ هم در مفاهیم و مفردات و هم در قضایا و مرکبات مطرح می شود: حکما تقابل را به امتناع اجتماع دو شیء متخالف در موضوع واحد، یا محل واحد، از جهت واحد و در زمان واحد تعریف کرده اند. (ابن سینا، الالهیات من کتاب الشفاء، ج ۱، ص ۳۱۲، محمد بن محمد نصیرالدین طوسی، کتاب اساس الاقتباس، ج ۱، ص ۵۵-۵۶، محمدحسین طباطبائی، نهاییه الحکمه، ج ۱، ص ۱۴۵، قم ۱۳۶۲ ش.)

۲-۳-اقسام تقابل

اجمالاً تقابل (در مفاهیم) را به چهار قسم تقسیم می کنند، می گویند: تناقض، عدم و ملکه، تضاد و تضایف که در اینجا فقط به تعریف تقابل عدم و ملکه پرداخته می شود

۱-۲-۳-تعریف تقابل عدم و ملکه :

متقابلین یا اینکه یکی از آندو عدم دیگری است، یا اینکه عدم دیگری نیست. اگر یکی از آندو عدم دیگری باشد باز بر دو قسم است: یک وقت هست که در آنجا اعتبار شأنیت می شود، یعنی عدم دیگری است و در این عدم اعتبار شأنیت وجود شده است، و یک وقت هست که اعتبار شأنیت نشده است. آنکه اعتبار شأنیت وجود در آن شده است «عدم و ملکه» است. . .

(مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۳، ص: ۸۴۳- محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه (سفر اول)، ج ۲، ص ۱۰۳،)

۳-۳- روشن است که یک جانبه نگری با چند جانبه نگری و یک جانبه گرایی با چند جانبه گرایی متقابل است.

۴-۳-نوع تقابل آنها

با توجه به توضیحات بالا بنظر می رسد تقابل یک جانبه نگری با چند جانبه نگری و یک جانبه گرایی با چند جانبه گرایی از نوع تقابل عدم و ملکه باشد. زیرا یک جانبه نگری و همچنین یک جانبه گرایی در مسائلی مطرحند که چند جنبه دارند ولی به هر دلیل به یک جنبه توجه می شود.

این مسئله در انتقادی که از ترامپ می شد روشن تر می شود زیرا اگر برای ترامپ یک جانبه گر چند جانبه گرایی امکان نداشت او را در یک جانبه گرایی و رها کردن چند جانبه گرایی به باد انتقاد نمی گرفتند.

۴- اشکال مختلف یک جانبه نگری در معرفت شناسی

این مسئله در معرفت شناسی در کفایت ابزار معرفتی انسان متجلی می شود.

۴-۱- معنا و مفهوم کفایت ابزار معرفتی انسان

بر اساس این اعتقاد انسان به ابزاری غیر از ابزار معرفتی خود نیاز ندارد. یک چنین فردی می گوید هرچه دیگران برای معرفت هستی دارند من هم دارم حواس پنجگانه و عقل و دل را که تمام آدم های معمولی دارند من هم دارم پس از دیگران چه چیزی کم دارم تا نیازی به دانستن نظر دیگران داشته باشم؟ و اگر احیاناً این فرد نابغه ای باشد چه بسا امر بر او مشتبه شده و به قول معروف خود را علامه دهر بداند و فقط جانب نظر خود را بگیرد. همین دیدگاه موجب خود برتر بینی و خودستایی و بدنبالش خود رأیی و خودگرایی می شود.

۴-۲- حالات گوناگون تجلی اعتقاد به کفایت ابزار معرفتی انسان

با توجه به اینکه در معرفت شناسی ابزار معرفتی انسان را ۳ نوع می دانند، عقیده به کفایت ابزار معرفتی در تقسیم اول به دو گونه جلوه می کند:

۱- کفایت ابزار معرفتی نوع انسان ۲- کفایت ابزار معرفتی فرد انسان

در هر دوی اینها سه حالت متصور است:

۱- کفایت جمع سه گانه ابزار معرفتی در برابر معرفت وحیانی:

این اعتقاد نوعی اومانیسزم معرفتی است. این عقیده از این جنبه که به ضرورت هر ۳ روش و ابزار معتقد است چند جانبه نگری و اما از این جهت که به ابزار معرفتی انسان در برابر معرفت وحیانی، اصالت داده، یک جانبه نگر است.

۲- کفایت دو تا از ابزار معرفتی مانند حس و عقل یا عقل و شهود(دل) یا حس و شهود. این نوع هم نسبت به اینکه دو ابزار را پذیرفته دو جانبه نگر و به عنوان اصالت ابزار معرفت بشری در مقایسه با معرفت وحیانی یک جانبه نگر است.

۳- کفایت یک ابزار که از هر جهت یک جانبه گر است.

این بند اخیر نیز به سه گونه جلوه می کند: ۱- کفایت عقل ۲- کفایت حواس ظاهری ۳- کفایت دل

۱-۲-۴- نمونه ای از اعتقاد به کفایت عقل

دکارت فیلسوف بزرگ فرانسوی معتقد بود که: «میان مردم عقل از هر چیز بهتر تقسیم شده است؛ چه هرکس بهره خود را از آن، چنان تمام می داند که مردمانی که در هر چیز دیگر چنان دیر پسندند از عقل بیش از آن که دارند آرزو نمی کنند و گمان نمی رود همه در این راه کج رفته باشند، بلکه باید آن را دلیل دانست بر اینکه قوه درست حکم کردن و تمییز خطا از صواب، یعنی خرد یا عقل، طبعاً در همه یکسان است و اختلاف آراء از این نیست که بعضی بیش از بعض دیگر عقل دارند، بلکه از آن است که فکر خود را به روش های مختلف به کار می برند و منظوره های واحد در نظر نمی گیرند؛ چه ذهن نیکو داشتن کافی نیست، بلکه اصل آن است که ذهن را درست به کار برند (رنه دکارت، گفتار در روش، ترجمه محمدعلی فروغی، ص ۱۹۶).

نتیجه طبیعی سخن دکارت این است که اگر کسی راه درست به کارگیری عقل را دریابد دیگر نیازی به هیچ و کس و هیچ چیزی در راهیابی به حقیقت ندارد حتی به وحی الهی. این یعنی خودکفایی عقل در تشخیص حقیقت.

۱-۲-۴- نقد و بررسی کفایت عقل

اینکه معتقد باشیم تنها عقل به حقیقت راه می برد و نقش حس و دل را نادیده بگیریم، یک جنبه نگری است و بهره ای از حقیقت ندارد. زیرا تمام کاوشهای عقلی، عقلی نیست بلکه بسیاری از این کاوشها عقلی تجربی یا عقلی حسی است مقدمه صغری حسی یا تجربی است و کبری عقلی است مانند آنچه درباره برهان نظم گفته شده است.

در مقابل معرفت حسی، معرفت عقلی و قلبی قرار دارد که معرفت عقلی برخلاف معرفت حسی، کل نگر است. اگر منظور از کل نگر معرفت قوانین کلی هستی باشد نه شناخت کل قوانین هستی لزوماً این کل نگر به معنای جامع نگر نیست زیرا مسائلی وجود دارد که از تیر رس عقل خارج است و نمی توان ادعا کرد که عقل کل قوانین هستی را شناخته است. بدین جهت اگر چند جنبه نگری را به معنای جامع نگر بدانیم پای عقل هم در این زمینه می لنگد که البته در این مقال جای بحثش نیست.

۲-۲-۴- نمونه ای از اعتقاد به کفایت ابزار حسی

در میان فلاسفه جدید می توان هابس و گاساندی را از جمله اصحاب این مذهب نام برد. هابس در ابتدای کتاب خود موسوم به «لویاتان» صریحاً می گوید: «منشأ تمام افکار ما احساس است و هیچ مفهوم عقلی نیست مگر اینکه در پیش کلاً یا جزئاً در حس بوده باشد و از همین مفهوم های اولی است که مفاهیم دیگر نتیجه شده است» (پل فولکیه فلسفه عمومی یا مابعدالطبیعه ترجمه دکتر یحیی مهدوی انتشارات دانشگاه تهران چاپ سوم بهمن ۶۶ ص ۱۳۱)

۱-۲-۲-۴- نقد و بررسی اعتقاد به کفایت ابزار حسی

معرفت حسی که زیر بنای جهان بینی علمی را تشکیل می دهد در ذات خود جزءنگری است و هیچ گاه معرفت کلی نمی دهد از این جهت دارای نارسایی هایی است که به دلیل رعایت اختصار اینها را زبان شهید مطهری بشنویم.

استاد مطهری در باره نارسایی جهان بینی علمی می نویسد: از نظر علم، جهان کهنه کتابی است که اول و آخر آن افتاده است نه اولش معلوم است نه آخرش، اینست که جهان بینی علمی، جزء شناسی است نه کل شناسی، علم ما را به وضع برخی اجزاء جهان آشنا میکند نه به شکل و قیافه و شخصیت کل. (مجموعه آثار شهید مطهری. ج ۲، ص ۷۸-۸۰)

۳-۲-۴- نمونه ای از اعتقاد به برتر بودن معرفت شهودی

عرفا عقل را بیش از اندازه تحقیر کرده اند و گاهی تا حدّ بی اعتبار بودن عقل هم جلو رفته اند (مطهری، انسان کامل: ص ۱۵۸ و ۱۵۹). و بیشتر به برتری معرفت شهودی بر عقل اعتقاد دارند و نه اینکه صدر صد با عقل و معرفت حسی مخالف باشند. به همین جهت بنظر می رسد یک نمونه کاملی از کفایت معرفت شهودی در میان آنان بدست نمی آید. مثلاً مولانا در مقایسه عقل و عشق می گوید:

بحث عقلی، گر دُرّ و مرجان بود / آن دگر باشد که بحث جان بود

بحث جان، اندر مقامی دیگر است / باده جان را، قوامی دیگر است

(شرح جامع مثنوی معنوی-دفتر اولابیات ۱۵۰۱ و ۱۵۰۲-تالیف کریم زمانی-انتشارات اطلاعات)

۱-۳-۲-۴- نقد و بررسی اعتقاد به برتری معرفت شهودی

برتری یک ابزار بر ابزار دیگر بستگی به هدف تحقیق دارد به طور مطلق نمی توان یک شیوه و یا یک ابزار را برتر از دیگری دانست. هر معرفتی وقتی در جایگاه خود به کار رود، مفید و کارساز است. مثلاً نه دل می تواند کار چشم را انجام دهد و نه چشم می تواند کار دل را.

معرفت قلبی از آن نظر که متکی بر شهود است فقط برای یک شخص که همان شخص شاهد است، حجت است و به صرف ابتناء بر شهود قابل تعمیم و تبدیل شدن به قانون نیست، تا درستی یا نادرستی آن قابل قضاوت باشد و تا انسان بتواند نیازهای زندگی اجتماعی خود را بدین وسیله برآورده سازد.

البته معرفت شهودی خیلی بیشتر از معرفت عقلی و تجربی می تواند حرکت و حماسه ایجاد کند که در اینجا بیشتر از این جای بحث نیست. راه نقد و بررسی همه این مسائل در دانش معرفت شناسی است.

۵- مواردی که یک جنبه نگری و چند جنبه نگری موضوعیت پیدا می کند

دادن ملاک در این زمینه با توجه به توان کم نویسنده کار بسیار مشکلی است. بنابراین بنده تنها چند نکته را هر چند ناقص ذکر می کنم.

۱-۵- تعیین محل نزاع

در ابتدا باید بشناسیم که پدیده یا مسئله مورد مورد بحث ما اصلاً جنبه در موردش موضوعیت دارد یا ندارد و اگر دارد یک جنبه ای است یا چند جنبه ای؟

۲-۵- نسبی بودن مفاهیم یک جنبه و چند جنبه بودن

پیش از هر چیز تذکر این نکته لازم بنظر می رسد که یک جنبه یا چند جنبه در موارد زیادی مفاهیمی نسبی اند. مثلاً وقتی به خود انسان توجه می کنیم با اعضای مختلفی یعنی با یک مجموعه سر و کار داریم و بررسی در مورد آن بررسی چند جنبه است. اما همین انسان نسبت به موجودات دیگر یک موجود است در مقابل میلیارد ها موجود دیگر. بنابراین بحث پیرامون آن بحث یک جنبه است.

۳-۵- روش بررسی در جایی که جنبه داشتن موضوعیت ندارد

اکنون با توجه به نکته بالا می گوئیم: در صورتی که وجودی مانند خداوند که اصلاً جنبه در موردش موضوعیت نداشته باشد، اگر جنبه یا جوانب یا صفات انسانی را به او نسبت دهیم، تنها به تسامح و از درد ناچاری و الکن بودن زبان است. چنانکه خود قرآن در آیه ۱۰ سوره فتح از «یدالله فوق ایدیهم» سخن گفته

است. در اینجا جای لغزیدن به تشبیه و تنزیه افراطی هر دو وجود دارد و باید دقت بیشتری نمود و باید مرتب تذکر داد که این گونه تشبیهات معقول به محسوس صرفاً به جهت نزدیک کردن مطالب به ذهن است.

۱-۳-۵- دلیل موضوعیت نداشتن جنبه در مورد خداوند

خداوند تنها وجودی است که جنبه در او موضوعیت ندارد زیرا خداوند متعال یکتا است و خداوند هم در ذات و هم در صفات هم در افعال و هم در شایسته بودن در عبادت یکتاست؛ لازمه یکتایی کمیت و یک و چند و ثانی و شبیه و نظیر و... نداشتن است.

شهید مطهری با تقسیم توحید به نظری و عملی می نویسد:

توحید نظری مربوط به عالم شناخت و اندیشه است، و توحید عملی یعنی خود را در عمل، یگانه و یک جهت و در جهت ذات یگانه ساختن. به عبارت دیگر توحید نظری یعنی شناخت یگانه بودن خدا، و توحید عملی یعنی یگانه شدن انسان. (مجموعه آثار شهید مطهری. ج ۲۶، ص: ۹۷)

همچنین علامه طباطبایی در تفسیر المیزان مینویسد:

و کلمه «احد» صفتی است که از ماده «وحدت» گرفته شده، همچنان که کلمه (واحد) نیز وصفی از این ماده است، چیزی که هست، بین احد و واحد فرق است، کلمه احد در مورد چیزی و کسی بکار می رود که قابل کثرت و تعدد نباشد، نه در خارج و نه در ذهن، و اصولاً داخل اعداد نشود، به خلاف کلمه واحد که هر واحدی یک ثانی و ثالثی دارد یا در خارج و یا در توهم و یا به فرض عقل، که با انضمام به ثانی و ثالث و رابع کثیر می شود، و اما احد اگر هم برایش دومی فرض شود، باز خود همان است و چیزی بر او اضافه نشده... یکی از بیانات لطیف مولانا امیر المومنین (علیه السلام) در همین باب است که در بعضی از خطبه هایش که در باره توحید خدای عزوجل ایراد فرموده چنین آمده: کل مسمی بالوحده غیره قلیل (امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، ص ۵۰، خطبه ۶۵) یعنی - و خدا داناتر است - هر چیزی غیر خدای تعالی، وقتی به صفت وحدت توصیف شود، همین توصیف بر قلت و کمی آن دلالت دارد، به خلاف خدای تعالی که یکی بودنش از کمی و اندکی نیست. (المیزان فی تفسیر القرآن ج: ۲۰ صفحه: - ۳۸۸ - ۳۸۷ و ترجمه المیزان ج: ۲۰ ص: ۶۷۰)

با توجه بیان علامه در مفهوم «احد» نه تنها در دار هستی بلکه حتی در عالم فرض هم برای خدا دومی فرض نمی شود تا اینکه کسی بتواند در ذهن خود به چند خدا بنگرد.

اگر در مورد خداوند کثرتی فرض شود در مورد صفات است آن هم کثرتی مفهومی است در دل وحدت مصداقی و هیچگاه نه این وحدت به معنای یک جانبه نگری است و نه آن کثرت به معنای چند جانبه نگری.

از جنبه فلسفی ذات حق کاملترین است و کاملترین جز یکتایی تصویری ندارد. توجه به حق تعالی، توجه به تمام کمالات و نفی تمام نقص ها است و انسان با گرایش به او خداگونه شده و از این طریق مقرب درگاه الهی و صاحب کمالات کثیر و دارای بینشی چند جانبه ای و همچنین گرایشی متعادل در جوانب مختلف می شود زیرا وقتی انسان مطابق آیه «فَأَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ» (آیه ۱۱۵ سوره بقره) به هر جانبی رو می کند او را می بیند. او در دل کثرت جهات وحدت و احدیت را درک می کند. درک کثرت، درک کمالات حق تعالی است تا انسان هم در وجود خود این کمالات را به اندازه ظرفیتش ایجاد و خداگونه بودن را عینیت ببخشد.

۲-۳-۵- شیوه سخن گفتن با عامه مردم پیرامون توحید

مسئلاً با مردم عادی نمی توان با استدلال پیچیده فلسفی سخن گفت چه بسا با این گونه سخن گفتن آنها دچار مشکلات فکری شده و بیش از آنکه راه را بیابند راه را گم کنند بدین جهت لازم است این سخن پیامبر را که فرمود: «أَنَا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ» (تحف العقول ص ۳۷ - کافی ط- الاسلامیه ج ۸، ص ۲۶۸ و ج ۱، ص ۲۳) الگوی خود قرار دهیم و با مردم با همان زبان عامیانه خودشان سخن بگوئیم.

۴-۵- روش بررسی در جایی که دارای یک جنبه یا چند جنبه است

با توجه به تقابل عدم و ملکه بین مفاهیم یکیا چند جانبه ونسبی بودن این مفاهیم تعیین مرز مشخصی بین آنها امر مشکلی است. بدین جهت تنها به ذکر چند نکته بسنده می کنم.

۵-۵- منظور از مجموعه یا چند جانبه ای

در بررسی یک یا چند جنبه ای سروکار ما با یک مجموعه است. منظور از مجموعه ترکیبی از اجزاء یا اعضای است که به طور منظم یعنی بر اساس هدف مجموعه و مطابق با اصل سنخیت هر کدام در کنار بقیه اعضا و در جایگاه مخصوص خود قرار گرفته اند و به گونه ای با هم مرتبطند که اگر اختلالی در کار یکی از آنها پیش بیاید به تناسب اهمیت آن اختلالی در کار کل مجموعه پیش می آید.

۶-۵- جایگاه بررسی یک جنبه ای و چندجانبه ای

اگر در بررسی یک جنبه از یک پدیده ارتباط آن با جنبه های دیگر خودش یا با پدیده های دیگر نادیده گرفته شود یا پدیده های دیگر در مجموعه های دیگری مستقل از این مجموعه باشند، در اینجا بررسی یک جنبه موضوعیت پیدا می کند. اما اگر اعضاء یک مجموعه آن چنان به هم پیوسته و مرتبط و هماهنگ باشند که نادیده انگاشتن این ارتباط موجب نشناختن آن می شود یا آن پدیده یا پدیده های آن مجموعه هویتی غیر از این ارتباط نداشته باشند در اینجا نگرش ناچاراً چند جنبه ای خواهد بود.

۶- مصداق یک جنبه نگری و یک جنبه گرایی در برابر خداوند چیست؟

در ابتدا لازم است یک نکته راجع به تمییز محتوا از روش بررسی توضیح داده شود.

۶-۱- جدا سازی حکم محتوا با شیوه بررسی

در این مسئله ما با روش چندجنبه ای در محتوای توحید به این نتیجه رسیده ایم که جنبه در مورد خداوند موضوعیت ندارد. اکنون در پرسش ۶ هدف مابیان شیوه بررسی مسئله توحید است نه محتوای آن.

۶-۲- یک جنبه نگری در برابر خداوند

معنای این یک جنبه نگری عدم دخالت دادن رأی خدا در شناخت هستی و در باید ها و نباید هاست. این عدم دخالت یا به علت عدم اعتقاد فرد به وجود خداست یا به دلیل این است که این فرد فکر می کند که خود خداوند ابزار معرفتی انسان را به گونه ای کامل و خودکفا آفریده تا نیازی به رأی خدا نداشته باشد که در این صورت پیرو سکولاریسم شده یا اینکه خودش را به دلیل کبر و غرور برتر از خدا دانسته در نتیجه به یک ابلیس و یک شیطان و یا یک طاغوت و فرعون تبدیل شده است به همین جهت فقط جانب نظر خود را می گیرد.

۶-۲-۱- بود و نبود یک جنبه نگری و یک جنبه گرایی در خلافت الهی

برخی ممکن است چنین تصور کنند که سپردن خلافت الهی به انسان توسط خداوند نوعی یکجانبه نگری و یک جنبه گرایی است. در صورتی که چنین نیست. زیرا:

۱- اگر لازمه خلافت یک جنبه گری باشد نتیجه اش به عکس، تاثیر دادن یک جنبه رأی خدا در نگرش به «هست» ها و «نیست» ها و «باید» ها و «نباید» های الهی است نه تاثیر دادن یک جنبه رأی انسان. زیرا خلافت را خدا به انسان به عنوان یک امانت داده، بنابراین لازمه وفاداری به حفظ امانت توجه به رای صاحب امانت است.

۲- خداوند برای انجام و اعمال خلافت توسط انسان از موضع لطف تمام لوازم آن را در اختیار انسان قرار داده. از لوازم عینیت بخشیدن به این مسئولیت، داشتن قدرت تعقل و اختیار و توانایی به کارگیری این دو است. بدین جهت خداوند هم تمام این موارد را به انسان عطا کرده است. با دادن قدرت اختیار دست او را در اعمال رأی خود انسان باز گذاشته. با این وجود خداوند انبیاء را مبعوث کرده تا به انسان کمک کنند تا از این حق خود در جهت نابودی خود و مخلوقات دیگر استفاده نکنند. جانشین اگر جانشین است باید مانند صاحب اصلی عمل کند و خیر او هم در همین است. در جاهایی که خداوند به پیامبرش دستور به شور و مشورت با اصحاب را داده در واقع رأی انسان را در تصمیم گیری هایش پذیرفته است. زیرا:

کلمه «شوری» به معنای آن پیشنهاد و امری است که در باره اش مشاوره شود. این کلمه نیز در قرآن آمده، فرموده: «و امرهم شوری بینهم». و بنابراین معنای آیه چنین می شود: مؤمنین آنهاییند که هر کاری می خواهند بکنند، در بینشان شورائی می شود که پیرامونش مشورت می کنند.

در این جمله اشاره ای است به اینکه مؤمنین اهل رشدند، و کاری می کنند که در واقع هم باید بکنند، و در به دست آوردن و استخراج رأی صحیح دقت به عمل می آورند، و به این منظور به صاحبان عقل مراجعه می کنند. در نتیجه آیه شریفه قریب المعنی با آیه شریفه «الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه» خواهد بود. (تفسیر المیزان ج ۱۸ ص ۶۳ و ترجمه تفسیر المیزان نویسنده: علامه طباطبایی ج ۱۸ ص: ۹۳)

بنابراین خداوند هم از مومنین خواسته تنها به رأی خود اکتفا نکنند بلکه چند جانبه نگر باشند. در اینجا جوانب دیگر، همان دیگر انسان های مومن اند.

بنابراین اگر انسان جانب رأی خدا را بگیرد، هر چند ظاهر آن نیز یک جانبه نگری و یک جانبه گرایی است اما در دل این وحدت کثرتی طولی نهفته است که بنحوی هم شامل رأی خود می شود و هم رأی خدا زیرا در رأی خدا، هم رأی انسان و هم مستقیم و غیر مستقیم رأی خود خدا جا می گیرد که غیر مستقیم آن در قالب رأی پیامبران و امامان و در زمان غیبت کبری رأی خدا در رأی مراجع تقلید و ولی فقیه متجلی می شود.

۳-۶- معنا و مفهوم چند جانبه نگری در فهم کلام خداوند

به عنوان نمونه می توان در اینجا از شیوه تفسیر قرآن سخن گفت.

۱-۳-۶- چند جانبه نگری در تفسیر قرآن

مفسران قرآن بحق شیوه ها و دستور العمل هایی را برای تفسیر قرآن ذکر کرده اند که پیام آنها به ما در این زمینه رعایت شیوه چند جانبه نگری در قرآن است که برخی از آن موارد ذکر می شود.

۱-۳-۶- شیوه ها و دستور العمل های تفسیر قرآن از زبان مفسران

به دلیل پرهیز از اطالۀ کلام و عدم خروج از موضوع بحث تنها این شیوه ها فهرست وار و از زبان آیت الله سبحانی ذکر می شود. ایشان چهارده شرط را ذکر می کند که عبارتند از: ۱. آگاهی از قواعد زبان عربی ۲. آگاهی از معانی مفردات قرآن ۳. تفسیر قرآن به قرآن ۴. مراجعه به شأن نزولها ۵. مراجعه به احادیث صحیح ۶. توجه به هماهنگی مجموع آیات قرآن ۷. توجه به سیاق آیات ۸. آگاهی از آرای مفسران اسلامی ۹. پرهیز از هر نوع پیشداوری ۱۰. آگاهی از بینش های فلسفی و علمی ۱۱. آگاهی از تاریخ صدر اسلام ۱۲. آگاهی از قصه ها و تاریخ زندگانی پیامبران ۱۳. آگاهی از تاریخ محیط نزول قرآن ۱۴. شناخت آیات مکی از مدنی. (سبحانی جعفر، مقاله روش صحیح تفسیر قرآن قبسات ۱۳۸۲ شماره ۲۹)

هر چند علم مراتبی دارد و با رعایت شرایط حداقلی هم می توان چیزی فهمید اما این فرد که روشمند عمل نکرده، مانند کسی است که خود را بیمه نکرده و معلوم نیست برداشت هایش تا چه اندازه درست باشد. به هر جهت پیام این شرایط همان چند جانبه نگری و چندجانبه گرایی در تفسیر قرآن است.

۴-۶- مصادیقی از یک جانبه گرایی در فهم کلام خداوند

یک جانبه گرایی در فهم کلام خداوند را می توان خودرایی انسان در برابر خداوند نامید.

۱-۴-۶- تفسیر به رأی در قرآن

در تفسیر به رأی، شخص مفسر بدون توجه به قراین عقلی و نقلی، اقدام به تفسیر قرآن بر اساس سلیقه و نظر شخصی می کند؛ اما در تفسیر عقلی، مفسر به قراین و دلایل قطعی عقلی توجه می کند و بر اساس آنها قرآن را تفسیر می کند (رضایی اصفهانی محمدعلی تفسیر عقلی روشمند قرآن قبسات ۱۳۸۱ شماره ۲۳)

به عنوان مثال فردی با مراجعه به قرآنه آیه ۶۲ بقره (و آیه ۶۹ مائده تقریباً با همین مضمون با کمی اختلاف) برخورد می کند که می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (بقره ۶۲)

ایشان پلورالیسم دینی را نتیجه گیری کرده و مسلک نامبردگان در آیه راحق می داند. و زمانی هم که مورد اعتراض قرار می گیرد می گوید، این نتیجه از ظاهر آیه قرآن بدست می آید که از آنها نخواستہ که مسلمان شوند بلکه آیه از آنها خواسته با حفظ مسلک خود، تنها با ایمان آوردن به خدا و آخرت و انجام عمل صالح، اهل نجات باشند. در صورتی که چندین اشکال در این نوع نتیجه گیری وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱- اگر ملاک ظاهر آیه است، با توجه به ماضی بودن افعال «آمنوا»، «آمن» و «عمل» آیه شامل یهود و نصارا و صابئون زمان پیامبر اسلام و بعد از آن نمی شود. فقط «یحزنون» را به شکل مضارع به کار برده که این هم مربوط به نتیجه ایمان و عمل صالح آنان است. تفسیر نمونه هم به همین صورت ماضی معنا کرده است. (تفسیر نمونه ج: ۱ ص: ۲۸۲)

باتوجه به یکی از شأن نزول های این آیه که در تفسیر نمونه ذکر شده مطلب بالا تأیید می شود.

در تفسیر نمونه از جامع البیان، نقل شده است: سلمان فارسی به رسول اکرم صلی الله علیه و آله گفت:

دوستان من که اهل ایمان و نماز بودند، ولی شما را ندیدند تا به شما ایمان بیاورند، وضع آنها در قیامت چگونه است؟ یکی از حاضران جواب داد: اهل دوزخند. ولی این آیه نازل شد که هر کدام از پیروان ادیان که در عصر خود بر طبق وظایف و فرمان الهی عمل کرده اند، مأجورند. البته این آیه نمی تواند بهانه و دستاویزی برای ماندن در یهودیت و مسیحیت باشد. زیرا اولاً: قرآن، اهل کتاب را به اسلام دعوت نموده است و ثانیاً: تهدید کرده که اگر آگاهانه به سراغ دینی غیر از اسلام بروند، مورد قبول نیست (آل عمران، ۸۵). (قرائتی، محسن تفسیر نور ج ۱ ص ۱۲۷، تفسیر نمونه ج ۱ ص ۲۸۵-۲۸۶)

۲- در اینجا فرموده نجات می یابند؛ نفرموده حق اند. هرچند به جهت برخی از وجوه مشترک با اسلام مراتبی از حقانیت را دارند.

۳- هرچند حتی به طور یک جانبه اگر همین یک آیه هم ملاک باشد پلورالیسم دینی نتیجه نمی شود، اما اگر چند جانبه نگری می شد و به آیات دیگری مراجعه می شد که چه نوع ایمانی به خدا مورد نظر است آیا ایمان به سه خدا و ایمان به خدا بودن مسیح مورد نظر است یا ایمانی که خود قرآن از مسلمانان انتظار دارد، قطعاً چنین اظهار نظری نمی شد.

۲-۴-۶- تفسیر قرآن به قرآن و یک جانبه نگری

برخی از شیوه تفسیر قرآن قرآنه قرآن ممکن است، یک جانبه نگری را نتیجه بگیرند و بگویند برای تفسیر قرآن تنها یک جنبه کافی است و آن خود قرآن است چنانکه امام علی (ع) در مورد قرآن فرموده: ینطق بعضه ببعض، و یشهد بعضه علی بعض (امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳، ص ۱۹۲) بنابراین در تفسیر قرآن نیازی به جوانب و یا مدارک دیگر نیست.

اما در اینجا چندین مغالطه صورت گرفته که فقط به چند مورد آن اشاره می شود.

اینکه می فرماید آیات قرآن مفسر یکدیگرند چند نکته قابل برداشت است:

۱- اگر نگوئیم همه آیات قرآن محتاج تفسیر است اما برخی آیات که به قول خود قرآن متشابه اند (آل عمران آیه ۷) نیاز به تفسیر دارند و صرف توجه به یک آیه یا ترجمه آن کافی نیست. ۲- اینکه می فرماید آیات قرآن مفسر یکدیگرند یعنی می خواهد محقق را به مراجعه به آیات دیگر دعوت کند تا قضاوتش پیرامون یک مسئله صرفاً بر اساس یک آیه نباشد.

از این دو نکته نادرستی یک جانبه نگری در تفسیر قرآن فهمیده می شود.

۳- در اینجا گفته آیات قرآن مفسر یکدیگرند اما در مورد اینکه چه کسانی قادر به فهم این ارتباط اند ساکت است.

۴- بنا بر اینکه آیات خود مفسر یکدیگرند خداوند در آیه ۴۴ سوره نحل «بِالْبَيِّنَاتِ وَالزَّبْرِ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» کسی که اهلیت تفسیر و تبیین قرآن را دارد معین کرده و آن شخص پیامبر است و بر اساس حدیث ثقلین امامان هم یک چنین اهلیتی در تفسیر قرآن به قرآن دارند و افزون بر آن وقتی این سخن از امام علی (ع) نقل می شود معنای تلویحی آن این است که اگر امامان و به طریق اولی پیامبر اگر تفسیر قرآن می کنند بر مبنای تفسیر قرآن به قرآن است.

یکی از مفسران بزرگ که شیوه تفسیر قرآن به قرآن را برگزیده، مرحوم علامه طباطبایی است. ایشان درباره اهل ذکر می فرماید:

در تفسیر عیاشی از محمد بن مسلم از امام باقر (علیه السلام) روایت کرده که گفت: به امام عرض کردم مردمی که نزد ما هستند چنین می پندارند که مقصود از اهل ذکر در آیه «فاستلوا اهل الذکر. . .»، یهود و نصاری اند، حضرت فرمود: اگر آنان باشند ایشان شما را به دین خود می خوانند و هرگز حق مطلب را که حقانیت اسلام است به شما نمی گویند آنگاه با دست به سینه خود اشاره کرد و فرمود: مائیم اهل ذکر و مائیم که مردم باید از ما سؤال کنند آنگاه گفت: امام باقر اضافه کرد که ذکر، قرآن است. (تفسیر المیزان ج

اگر علماء دین هم یک چنین اهلیتی داشته باشند که دارند به شرط این است که تفسیرشان هماهنگ با تفسیر حاملان اصلی وحی باشد و چون در آخر آیه فرموده «لعلهم یتفکرون» دیگران نیز می توانند به طور روشمند و با بکارگیری شروط تفسیر با عقل تزکیه شده خود که حجت درونی است (اصول کافی، ج ۱، ص ۱۶) بر اساس الگوگیری از پیامبر و ائمه و علما راه تبیین و تفسیر را ادامه دهند.

بنابراین با توجه به اینکه منظور از چند جانبه اشخاص و افراد (پیامبر و ائمه و علما) می باشند، چندجانبه گرایی موج می زند.

۷- علل و عوامل یک جانبه نگری و پیامدهای آن چیست؟

ابتدا به علل و عوامل توجهی می شود و سپس به پیامدها

۱-۷- علل و عوامل یک جانبه نگری

الف) مهمترین عامل یک جانبه نگری اعتقاد به کفایت ابزار معرفتی انسان برای سعادت و خوشبختی است که در پرسش چهارم به آن پرداخته شد.

ب) یکی دیگر از این عوامل سطحی نگری است که شاید یکی از عوامل سطحی نگری شتاب و کم حوصلگی در رسیدن به نتیجه است.

ج) خلط علت ناقصه با علت تامه یا خلط علت معد با علت حقیقی نیز می تواند یکی از این عوامل باشد. مثلا مادی گراها وقتی می بینند که اگر شنوایی فردی از کار افتاده باشد، شنیدن متحقق نمی شود، می گویند بنابراین گوش که یک ابزار مادی است تنها عامل شنیدن است در صورتی وقتی کسی به گوینده ای توجه ندارد با وجود سالم بودن شنوایی اش یا نمی شنود یا نمی داند که گوینده چه گفته است این نشان می دهد که دستگاه شنوایی به تنهایی برای امر شنیدن کافی نیست.

۲-۷- پیامدهای یک جانبه نگری

یکی از پیامدهای مهم یک جانبه نگری، یک جانبه گرایی است. بنابراین تمام آنچه که پیرامون یک جانبه نگری بیان شده، در اینجا نیز صادق است. زیرا گرایش مربوط به «باید»ها و «نباید»ها است و نگرش مربوط به «هست»ها و «نیست»ها و در این زمینه طبق قانون سنخیت علت و معلول «هست»ها و «نیست»های خاصی موجب شکل گیری «باید»ها و «نباید»های خاصی می شوند که بحث در این مسئله خارج از این مقاله است و باید آن را در دانش معرفت شناسی و فلسفه اخلاق جستجو کرد. (ر. ک. به مقاله تجلی اصل سنخیت در اخلاق فلسفی و دینی از این حقیر)

۱-۲-۷- مصادیقی از یک جانبه گرایی

این مسئله امروزه بیشتر در حوزه سیاست مطرح شده؛ اما منحصر به این حوزه نیست بلکه در تمام حوزه های فردی و اجتماعی از جمله در حوزه اقتصاد، فرهنگ، نژاد پرستی، اخلاقیات، دین، تفسیر قرآن، بهداشت جهانی، حفظ محیط زیست، در بحث حقوق زن، در بحث آزادی، در مقابله با بیماری ها به ویژه در مسئله کرونا... قابل طرح است که با توجه به اینکه این مسائل مرتب در رسانه ها بیان می شود نیازی به بیان آنها در این مقاله دیده نمی شود فقط اشاره ای به فهرست برخی از مصادیق یک جانبه گرایی های بزرگترین کشور یک جانبه گرای دنیا و توضیح مختصری در مورد یکی از مصادیق آن یعنی بزرگترین مسئله روز دنیا که مسئله کروناست می شود.

۱-۲-۱-۷- مصادیقی از یک جانبه گرایی آمریکا

در روزگار ما آمریکا یکی از کشورهای معروف یک جانبه گراست که برخی از یک جانبه گرایی های این کشور عبارتند از:

خروج از: ۱- پیمان تجاری اقیانوس آرام ۲- معاهده آب و هوایی پاریس ۳- سازمان علمی و فرهنگی یونسکو ۴- پیمان جهانی مهاجرت ۵- توافق هسته ای ایران ... (برگرفته از سخنرانی دکتر محمدتقی حسینی سفیر جمهوری اسلامی ایران در مکزیک در دانشگاه یو وی ام مکزیک برای دانشجویان روابط بین الملل با موضوع "تهدید چند جانبه گرایی و پیامدهای آن برای نظم جهانی")

۱-۲-۱-۱-۷- یک جانبه گرایی آمریکا در مسئله کرونا

اکنون مهمترین مسئله جهان امروز ما مسئله کروناست. در این زمینه خبرگزاری جمهوری اسلامی نامه چند تن از نمایندگان مجلس نمایندگان آمریکا به ترامپ را نقل کرده و می نویسد:

برخی منابع خبری مدعی شدند که «الکساندریا اوکازيو کورتز» با حمایت تنی چند از سناتورها و اعضای مجلس نمایندگان آمریکا نامه ای را خطاب به مایک پمپئو و استیو منوچین وزیران امور خارجه و خزانه داری آمریکا تهیه کرده که خواستار لغو تحریم ها علیه ملت ایران در بحبوحه شیوع ویروس کرونا است. (خبرگزاری جمهوری اسلامی ۵ فروردین ۱۳۹۹، ۱۰:۳ کد خبرنگار: ۱۱۹۵ کد خبر: ۸۳۷۲۵۴۲۹)

یک جانبه گرایی آمریکا در این زمینه تحریم های گسترده، خصوصاً تحریم داروهای مفید در معالجه این بیماری است که این کشور صرفاً به دلائل یک جانبه سیاسی در جهت رعایت یک جانبه منافع خود این تحریم ها را انجام داده است.

البته این یک جنبه گری آمریکا خاص زمان ترامپ نبوده بلکه تقریباً می شود گفت در تمام طول عمر این کشور وجود داشته حتی در زمانی که که ظاهراً با کمک کشورهای متحد اروپایی اش چند جنبه عمل کرده است، در دل این چند جنبه گرایی، یک جنبه گرایی نهفته بوده است. زیرا هدف تنها حفظ منافع یک جنبه آمریکا بوده اما در برخی زمانها گرگها در بررسی هایشان به این نتیجه رسیده اند که اگر به تنهایی عمل کنند چیزی که عایدشان نمی شود هیچ ممکن است چیزهایی را نیز از دست بدهند پس بهتر است با گرگهای خون آشام دیگر شریک شوند. بنابراین تفاوت این دو روش، ظاهری و تنها در این است که شیوه ترامپ یک جنبه گرایی محض بود و کار آنها و احیاناً در حال حاضر کار بایدن یک جنبه گرایی در قالب زیبای چند جنبه گرایی است.

۲-۲-۷- یک جنبه نگری و یک جنبه گرایی در مسئله کرونا در کشور خودمان

برخی از مردم کشور خودمان هم در جهت رعایت یا عدم رعایت شیوه نامه های بهداشتی دچار افراط و تفریط شده اند. افراط و تفریط یا به قول امروزی ها سیاه و سفید دیدن و بر اساس آن عمل کردن، هر دو نگرستن و گراییدن به یک جنبه و غفلت از جنبه های دیگر است. برخی آنقدر بیخیال بوده تا بر اثر این بی خیالی به کرونا مبتلا شده اند. مثلاً بعضی از مسجدی ها از حداقل رعایت شیوه های بهداشتی که زدن ماسک است، پرهیز می کنند. وقتی که به آنها گفته می شود مگر نمی بینید چه اوضاعی است؟ می گویند بی خیالش بدن من قوی است نمی گیرم. برخی می گویند من مشکل تنفسی دارم یعنی فقط خودشان را می بینند. یا می گویند در مسجد کسی کرونا نمی گیرد هر که گرفته از بیرون مسجد بوده، معلوم نیست این مسئله را چگونه اثبات می کنند؟ نمی دانم اینان شهادت شیعیان توسط تروریست ها را در مساجد یا ضربت خوردن آن انسان کامل علی ابن ابی طالب علیه السلام را در مسجد چگونه توجیه می کنند؟ اگر قرار است علل مادی در مسجد بی اثر باشند می بایست در این موارد به طریق اولی بی اثر می بودند. آیا مقام ما از حضرت علی علیه السلام بالاتر است؟ البته این نقدها به معنای بی اثر بودن علل معنوی نیست. زیرا اساساً علل معنوی حاکم بر علل مادی اند و قطعاً در تغییر روند زندگی دنیوی انسان موثرند و راه سعادت در آخرت از سعادت در دنیا می گذرد و این علل می توانند تاثیر علل مادی را از بین ببرند. چنانکه آتش بر حضرت ابراهیم سرد شد. اما سخن در اینجاست که ما از مشیت الهی که خبر نداریم شاید خداوند تاثیر مسجد رفتن را در جای دیگری قرار است به ما بدهد.

برخی نیز به جهت رعایت شیوه نامه های بهداشتی آن قدر در خانه مانده اند که دچار افسردگی شده اند، در صورتی که هدف از دعوت به رعایت شیوه نامه های بهداشتی مصون ماندن از آسیب های این بیماری است. اگر انسان بر اثر افراط در این مسئله دچار یک بیماری دیگری همسان یا بدتر از آنشود این نقض غرض

است. تا جایی که امکان داشته باشد باید از آسیب احتمالی تمام جوانب مصون ماند. اگر چنین چیزی شدنی نبود آن وقت پرهیز از ضرر بیشتر را باید در اولویت قرار داد.

نتایج تحقیق

- ۱- منظور از «یک» در یک جنبه نگری ممکن است یک فرد یا یک پدیده و یا یک مسئله باشد.
- ۲- واژه های خود برترینی، خودرأیی و خودنگری، می توانند تا اندازه زیادی معرف یک جنبه نگری باشند.
- ۳- مفاهیم یک جنبه نگری و چند جنبه نگری مفاهیمی نسبی اند.
- ۴- به جهت اینکه تقابل یک جنبه نگری با چند جنبه نگری، تقابل عدم و ملکه است در توحید موضوعیت ندارد.
- ۵- انسان در یکتا نگری خود به خداوند، کثرتی از کمالات الهی را در دل احدیت و وحدت الهی و در یکتا گرایی خود به خداوند، تحقق کثرتی از کمالات شایسته بشری را در خود می تواند ببیند.
- ۶- اعتقاد به کفایت ابزار معرفتی خود و سطحی نگری و شناخت علت ناقصه به جای علت تامه را می توان از علل یک جنبه نگری دانست.
- ۷- اومانیسم (به معنای اصالت انسان در برابر خدا) و تفسیر به رأی در تفسیر قرآن از جلوه های یک جنبه نگری در برابر خداوند است؛ اما لازمه تفسیر قرآن به قرآن یک جنبه نگری نیست.
- ۸- امر خداوند به پیامبر به شور و مشورت با مومنان و دعوت انسانها به تفکر، تعقل، تأمل، تدبر و نظر، دعوت به به کارگیری خرد جمعی و چند جنبه نگری است.
- ۹- یک جنبه نگری و چند جنبه نگری در یک مجموعه منظم که هر یک از اعضا یا اجزاء در جایگاه خاص خود در جهت برآورده شدن هدف مجموعه قرار گرفته اند موضوعیت می یابد.
- ۱۰- یکی از پیامدهای خطرناک یک جنبه نگری، یک جنبه گرایی، به ویژه در مبارزه با کرونا توسط ایالات متحده آمریکا است.

منابع

- قرآن کریم

- آیت‌اللهی سیدمهدی، ۱۳۸۳، چاپ اول سیری در قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی، برجیس

- ابن سینا، ۱۳۷۶ ش. الالهیات من کتاب الشفاء، ج ۱، قم چاپ حسن حسن زاده آملی
- (بل / خرمشاهی) ریچارد بل / بهاء الدین خرمشاهی، ۱۳۸۲، چاپ اول درآمدی بر تاریخ قرآن، قم، مرکز ترجمه قرآن
- جوادی آملی، عبدالله، دی ۸۳، دین شناسی (سلسله بحثهای فلسفه دین)، قم مرکز نشر اسراء، چاپ سوم
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم مرکز نشر اسراء، چاپ اول
- جوادی آملی، عبدالله، دی ۸۳، نسبت دین و دنیا (بررسی و نقد نظریه‌ی سکولاریسم)، نشر اسراء چاپ سوم
- حجتی سید محمد باقر، أسباب النزول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ناشر دیجیتالی: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان
- دکارت رنه، (گفتار در روش)، ترجمه محمدعلی فروغی در کتاب سیر حکمت در اروپا انتشارات کتابفروشی زوار
- رامیار محمود، ۱۳۶۹، تاریخ قرآن، مکان چاپ: تهران ناشر: امیر کبیر، نوبت چاپ: سوم
- رضایی اصفهانی محمدعلی، ۱۳۸۱، تفسیر عقلی روشمند قرآن، درجه علمی: علمی-پژوهشی قبسات شماره ۲۳
- سبحانی جعفر، زمستان ۱۳۸۳، منشور جاوید ۱، قم چاپ مؤسسه امام صادق (علیه السلام) ناشر مؤسسه امام صادق (علیه السلام)- نوبت چاپ اول
- سبحانی تبریزی جعفر، ۱۳۸۲، روش صحیح تفسیر قرآن، درجه علمی: علمی-پژوهشی قبسات شماره ۲۹
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۵۴، المبدأ و المعاد، تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۳۷ ش ، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة (سفر اول)، ج ۲، تهران ، چاپ افست قم)
- طباطبائی محمدحسین، تفسیر المیزان ج ۱۲ و ۱۸ مرکز قائمیه باصفهان للتحریات الکمبیوتریه
- طباطبائی محمدحسین، ۱۳۸۹، نه‌ایة الحکمة، ج ۱، قم مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- عمید زنجانی عباسعلی، ۱۳۶۶، مبانی و روشهای تفسیر قرآن، تهران ناشر چاپی: سازمان چاپ و انتشارات ناشر دیجیتالی: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

- فخررازی، محمد بن عمر، ۱۴۱۰ / ۱۹۹۰. المباحث المشرقیة فی علم الالهیات و الطبیعیات، ج ۱، بیروت چاپ محمد معتصم بالله بغدادی،
- فولادوند محمد مهدی، ۱۳۸۰، قرآن شناسی، ناشر: الست فردا مکان چاپ: تهران نوبت چاپ: اول
- فولکیه پل، سوم بهمن ۶۶ فلسفه عمومی یا مابعدالطبیعه ترجمه دکتر یحیی مهدوی، تهران انتشارات تهران
- کریمی، ۱۳۷۹، توحید از دیدگاه آیات و روایات (۲) تهران، ناشر سپاه پاسداران
- مصباح محمدتقی، ۱۳۸۷، آموزش عقاید ج ۲ و ۱، چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی چاپ سی و پنجم
- مصباح یزدی محمدتقی، ۱۳۸۰، قرآن شناسی ج ۱ ناشر: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی مکان چاپ: قم نوبت چاپ: دوم
- مصباح یزدی محمدتقی، ۱۳۹۲، قرآن شناسی جلد ۲ تحقیق و نگارش: غلامعلی عزیزی کیا. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- مطهری، مرتضی، ۱۳۹۲، مجموعه آثار. ج ۲، ناشر: صدرا
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، مجموعه آثار (۵): ناشر: صدرا
- مطهری، مرتضی، ۱۳۹۲، مجموعه آثار - ج ۶: ناشر: صدرا
- مطهری، مرتضی، ۱۳۹۵، مجموعه آثار ج ۱۳ ناشر: صدرا نوبت چاپ: ۱۲
- مطهری، مرتضی، ۱۳۹۲، مجموعه آثار - ج ۱۶: ناشر: صدرا
- مطهری، مرتضی، ۱۳۹۲، مجموعه آثار (انسان کامل) - ج ۲۳: ناشر: صدرا
- مطهری، مرتضی، ۱۳۹۳، مجموعه آثار ج ۲۶ ناشر: صدرا نوبت چاپ: ۶
- معارف، مجید، ۱۳۸۳، در آمدی بر تاریخ قرآن، تهران ناشر: نبا مکان چاپ: نوبت چاپ: اول
- معرفت محمد هادی، ۱۳۷۴، علوم قرآن، ترجمه التمهید فی علوم القرآن ج ۳، مکان چاپ: بی جا سازمان تبلیغات اسلامی نوبت چاپ: بی نا

- معرفت محمد هادی / خیاط و نصیری، ۱۳۷۹، تفسیر و مفسران ۱، مکان چاپ: قم ناشر: مؤسسه فرهنگی التمهید نوبت چاپ: اول
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۵۳، تفسیر نمونه/ج ۱، نشر: طهران. دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳ سرشناسه: امامی محمدجعفر، ۱۳۲۲ - ۱۳۸۷.
- مکارم شیرازی ناصر، شان نزول آیات قرآن کریم، ناشر چاپی: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام) ناشر دیجیتالی: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان
- مکارم شیرازی ناصر، ۱۳۷۷. پیام قرآن ج ۱-۴: مشخصات نشر: تهران: دارالکتب الاسلامیه،
- موسوی سید مجید، تفسیر قرآن به قرآن، منبع: سایت مغرب نبوز
- نصیرالدین طوسی محمد بن محمد، کتاب اساس الاقتباس، چاپ انتشارات، دانشگاه تهران